

نگاه دولتی

معرفی هیات انتخاب تماشاخانه ایرانشهر

انتخاب تئاترها شورایی شد

■ شرق: «حمید سمندریان، دکتر علی رفیعی، علیرضا نادری، سعید کشف‌فلاح، ایرج راد، بهروز غریب‌پور و پلنۀا بهرام» هفت نفری هستند که با دعوت مجید سرسنگی، مدیرعامل خانه هنرمندان برای شرکت در نخستین هیات انتخاب آثار تماشاخانه ایرانشهر دعوت شده‌اند. هفت نفری که به گفته مدیرعامل خانه هنرمندان قرار است ارزشیابی هنری و فنی آثار این تماشاخانه را در دوره جدید مدیریتی بر عهده بگیرند.

«این هفت نفر ترکیبی از نسل‌های مختلف تئاتری و طیف‌های هنری متفاوتی هستند که در کنار یکدیگر می‌توانند در بالا بردن سطح کیفیت کارهای که در



تماشاخانه ایرانشهر به صحنه می‌آید، کمک کنند.» این نظر سرسنگی است که در گفت‌وگو با «شرق» با تأیید پذیرفتن این افراد برای شرکت در این هیات می‌گوید: «استاد سمندریان و دکتر رفیعی از پیشکوتان و استادان تئاتر هستند که در کنار چهره دانشگاهی چون دکتر کشف‌فلاح قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر آقای راد هم به عنوان مدیرعامل خالۀ تئاتر و همچنین آقای غریب‌پور به عنوان کسانی که در تئاتر عروسکی چهره شناخته‌شده‌ای هستند، در این شورا عضویت پیدا کرده‌اند. آقای نادری و خاتم بهرام نیز هر دو نمایندگان بازیگران و نماینده‌نویسان هستند و برای ارزشیابی آثار می‌توانند نظرات کارشناسی داشته باشند.» سرسنگی مهم‌ترین وظیفه این شورا را نظارت کیفی می‌داند و برخلاف قفقه‌های رییس شورای نظارت و ارزشیابی تئاتر که گفته بود وظیفه مجوز صادر کردن برای اجرا را به مدیران تماشاخانه‌ها واگذار کرده‌اند، آن را معطوف به نظر فقهی شورای نظارت و ارزشیابی دانست: «هر کاری که برای اجرا به تماشاخانه ایرانشهر داده شود در ابتدا در این شورا، نظارت کیفی خواهد شد و بعد از آن برای دریافت مجوز به شورای نظارت و ارزشیابی خواهد رفت. ما برخلاف قانون رسمی نمی‌توانیم مجوزی صادر کنیم.» سرسنگی همچنین مشکل مجوز گرفتن نمایش عبدالرضا کاهانی را در شورای نظارت و ارزشیابی دانست و گفت: «ما خیلی خوشحال می‌شویم که ایشان کارشان را در تماشاخانه ایرانشهر اجرا کنند. ما حتی از ایشان دعوت کردیم که اگر مشکل این متن در شورا حل نشد، متن دیگری را به تماشاخانه ارایه دهند.»

دور ایران

■ ایرج قادری گفت: من به شدت بیمارم و اگر زنده بمانم دوست دارم، برای جواب احساسات مردم فیلم بسازم. ■ سخنگوی شورای صنفی نمایش از عدم درخواست نمایش فیلم «سفر سرخ» در طرح «گران ویژه رمضان» از سوی پخش‌کننده فیلم خبر داد. ■ مراسم تعزیه‌خوانی از سوسی بهترین گروه‌های تعزیه‌خوان ایران از ۲۲ تا ۲۶ مرداد سال جاری در محوطه بیرونی خانه هنرمندان ایران و تماشاخانه ایران‌شهر برگزار می‌شود. ■ سه فیلم جدید «سوت پایان»، «فروزد زنده‌ها ممنوع» و «پروانگی» از فیردا ۱۲ مرداد - در سینماها اکران عمومی می‌شوند. ■ رییس شورای نظارت و ارزشیابی تئاتر اداره کل هنرهای نمایشی گفت: در جلسه هفته آینده تکلیف اجرای کاهانی معلوم می‌شود. ■ رییس اداره سینمایی نیروی انتظامی از پخش سریال «گیوتین ۱» به تهیه‌کنندگی «حبیب‌الله کاسه‌ساز» و کارگردانی «علیرضا امینی» در هفته ناکا خبر داد. ■ تصویربرداری مستند «آقای خاص» که اختصاص به زندگی فیروز کریمی دارد با حضور بهنوش بختیاری و پژمان بازغی با ضبط آیت‌های مربوط به باشگاه پاس به کارگردانی مهدی برگنیل و تهیه‌کنندگی جواد مردآبادی ادامه یافت.

خبر آخر

بعد از گذشت ۷ ماه از اختتامیه

هنوز جایزه‌ام را نگرفته‌ام

■ محسن خنجهچی، کارگردان فیلم مستند در نامه‌ای به شفق‌نری: بنده در اختتامیه نهمین جشنواره فیلم‌های ورزشی که دی ماه سال قبل یعنی سال ۸۹ در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد- تقریبا هفت ماه قبل- به به عنوان بهترین کارگردان بخش مستند معرفی شدم و علاوه بر تندیس و لوح افتخار جایزه نقدی هشت سکه بهار آزادی نیز از سوی مسوولان جشنواره اعلام شد که اهدا می‌شود. من آن شب، نامه‌ای را گرفتم که جایزه‌ای تقدام را اسفند ماه - یعنی دو ماه بعد از اختتامیه جشنواره فیلم‌های ورزشی- به ما مراجعه به دبیرکل دادیم. جشنواره دریافت کند، هم‌کنون بیش از پنج ماه از موعد اعلام شده برای دریافت جایزه نقدی و هفت‌ماه از اختتامیه جشنواره فیلم‌های ورزشی گذشته است و هیچ‌کس پاسخگو نیست که قرار است چه زمانی این جوایزی که با افتخار در اختتامیه اعلام کردند به برگ‌زدگان اهدا شود؟!

شیشه‌گران: نقاشی‌هایم رنگ جهانی می‌دهد

می‌شود. به همین دلیل دوست دارم،

بهترین کارم را ارایه کنم. من تابه‌حال نمایشگاه‌های متعددی در خارج از کشور همچون آمریکا، ایتالیا و سوئد برگزار کرده‌ام. شاید اولین چیزی که مورد توجه بازدیدکنندگان خارجی قرار می‌گیرد، تکنیک و روش کارهایم است. همیشه تلاش کرده‌ام آثار جدیدی را ارایه کنم که تازگی داشته باشند. ضمن اینکه دوست دارم نقاشی‌هایم نه‌تنها بوی سرزمینم را

بدهند بلکه رنگ‌بوی جهانی داشته باشند. برای همین تابلوهایم برای بازدیدکنندگان خارجی جالب است.

■ **هنر ایران الان در دنیا چقدر شناخته شده‌است؟** اتفاقی خیلی خوبی در سال‌های اخیر روی داده است. هنر مدرن ما در جهان، شناخته شده است و فکر می‌کنم در آینده نیز جهانیان بیشتر هنرمندان ما را بشناسند. زمانی هنر معاصر ایران رانمی‌شناختند، ولی الان نه‌تنها در ایران، بلکه هنرمندان ما در خارج از کشور هم معرفی شده‌اند. به نظر من اگر اثر هنرمندی بومی و جهانی نباشد در دنیای معاصر کارش پیش نمی‌رود. یادم است چندین سال قبل، دوه، سه نفر از آمریکا به ایران آمده بودند و دنبال نقاشی می‌گشتند که آثار او ویژگی‌های ایرانی و جهانی داشته باشد. عده‌ای من را به آنها معرفی کرده بودند. وقتی نقاشی‌هایم را دیدند، گفتند همان هنرمندی است که دنبالش بودند.



کندی؟

اتفاقا یک گالری‌دار فرانسوی سفارش

۲۰ تا ۲۵ نقاشی به من داده است تا نمایشگاه انفرادی در انگلستان و فرانسه برگزار کند. من هنوز جواب قطعی به این گالری‌دار نداده‌ام، چون هیچ تابلوی آمادای ندارم و چایخانه هم نیستیم که ظرف زمان کوتاهی، این همه اثر تولید کنم. شاید یک‌سال زمان ببرد تا بتوانم این تعداد کار را تولید کنم. این گالری‌دار حتی حاضر بود بیعانه‌ای در اختیار من قرار دهد و قرارداد را ببندد، اما من مشغول بررسی این مساله هستم. البته شاید بعدا آثار را برای نمایش به ایتالیا هم ببرند. اگر این پیشنهاد را قبول کنم به همان سبک‌وسباق کارهای قبلی‌ما، آثار جدید را خلق می‌کنم.

■ **برای برگزاری یک نمایشگاه در خارج از کشور چه**

مسایلی برایتان اهمیت پیدا می‌کند؟

وقتی صحبت از یک نمایش‌گاه خارجی است، آبروی هنر ما پیش می‌آید و برای همین وسواس من بیشتر

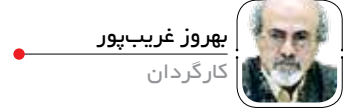
ادب‌و‌هنر

به دنبال کیفیت در اجرا

فراموشی سپرده شد، خود من بودم. حتی برای افتتاحیه

هم دعوت نشدم و در این سه، چهار سالی که در حال بهره‌برداری است، هم این اتفاق نیفتاد. زمانی که مجید سرسنگی، مدیرعامل خانه هنرمندان شد از من دعوت کرد تا در این هیات شرکت کنم و اصرار کرد که بنده حقی نسبت به اینجا دارم و باید در برنامه‌ریزی برای آن مشارکت داشته باشم. من مصر بودم که این وظیفه را نپذیرم اما اصرار ایشان و نام بردن از من به عنوان یکی از اعضا، حق‌شناسی سرسنگی را نسبت به من نشان می‌دهد. امیدوارم با حضور این شورا بتوانم قدم موثری برای تئاتر بردارم. ترکیب اعضای این هیات، همه از چهره‌های شناخته‌شده خانواده تئاتر و کسانی هستند که در طول کارحرفه‌ایشان نشان داده‌اند در هر شرایطی تئاتر رایشان بسیار اهمیت دارد و همراهی با آنها برای من باعث سرفرازی است.

من با توجه به علاقه‌ای که به تئاتر دارم و از آنجایی که سعی کرده‌ام در هیچ جا منفعّل عمل نکنم در این هیات هم سعی خواهم کرد تا به بالا رفتن کیفیت نمایش در این تماشاخانه کمک کنم و بتوانم در کنار دوستانی که هستند، کاری کنم تا این تماشاخانه را از شکل کنونی که گیشه بر آن حکومت می‌کند، خارج و به محلی برای تولید تئاتر حرفه‌ای تبدیل کنم. باید به دنبال آوردن نمایش‌هایی بر این صحنه باشیم که به جای استفاده از چهره‌های سینمایی و تلویزیونی - که خودش فی‌نفسه بد نیست - به جایی تبدیل شود که تماشاگر کارها را برای میزانش، کارگردانی و بازی خوب، ببیند.



بهروز غریب‌پور

کارگردان

تماشاخانه ایرانشهر امروز به عنوان محلی که با استقبال تماشاچیان برای دیدن نمایش‌ها شناخته شده است، پیشینه‌ای دارد که پیش از آنکه در مورد پذیریش حضور در هیات انتخاب نمایش این تماشاخانه صحبت کنم، باید به آن اشاره کنم. زمانی که من و همکاران، کار ساختن خانه هنرمندان را آغاز کردیم، در کنار این ساختن‌دو سوله ساخته شده بود که مدعیان زیادی داشت. یکی از این مدعیان من بودم که می‌خواستیم دو سالن نمایش در این مکان راه‌اندازی شود. در همان زمان کسانی در شهرداری بودند که تصمیم داشتند بازارچه فروش صنایع دستی در این محل را راه‌اندازی کنند. اما من معتقد بودم داشتن سالن تجرعی تئاتر می‌تواند بخشی از مشکلات خانواده تئاتر را برای اجرای نمایش حل کند.

خوشحال هستم با دوستانی که ما را یاری کردند، استقامت کردیم تا سرانجام شهرداری متقاعد شد این سوله‌ها به سالن تئاتر تبدیل شود. ما حتی پیش از آنکه این مکان به ساخت تئاتر اختصاصی یابد چندین مراسم مربوط و به تئاتر را برگزار کردیم مانند بزرگداشت خاتم اسکویی و روز جهانی تئاتر. حتی نام تماشاخانه را خود من برای این مکان انتخاب کردم. اما متأسفانه بعد از آنکه این مرکز مورد بهره‌برداری قرار گرفت و افتتاح شد، یکی از کسانی که به

محمود دولت‌آبادی در آستانه هفتاد و یک‌سالگی

رناليسم از ذره تا کائنات

«چندی پیش فرصتی دست داد تا متنی

از احمد غزالی بخوانم و برایم جالب بود که غزالی درباره بخشی از حواس انسان حرف می‌زند که امروز آن را سوررئالیسم می‌نامند. غزالی اعتقاد دارد که زندگی را فقط از طریق پنج حس در نمی‌یابیم بلکه وجه دیگری وجود دارد که مربوط به خواب‌ها و رویاهای ما می‌شود و این دقیقاً مقوله‌ای بود که اول قرن بیستم میلادی با سوررالیسم پدید آمد. در متون گذشته نیز رد پای از استفاده از ذهن وجود دارد مثلاً

در کمدی الهی دانته یا اراویرافنامه. باید این‌طور بگویم که رئالیسم از ذره تا کائنات را در برمی‌گیرد. محمود دولت‌آبادی در پاسخ به سوال یکی از حاضران در جلسه که او را یک نویسنده ملی‌انست و او از او درباره غدغه‌اش پرسید گفت: «غدغه من سرنوشت ملی است و همیشه این غدغه‌مذم برایم وجود داشته است و به سرنوشت و آینده مردم فکر کرده‌ام و هر جا نیاز بوده که یا به پای آنها قدم بردارم این کار را کرده‌ام و از این به بعد نیز خواهم کرد.» دولت‌آبادی در جواب به این سوال



سبک‌هایی از درون اینها با اسامی فرعی بیرون می‌آید. اینکه من از کلیدر به سلوک رسیدم باید بگویم که بعد از کلیدر مشغول نوشتن داستانی به نام کلنل شدم که هنوز در کشور ما بعد از گذشتن ۲۴سال از نوشتنش ممنوع است. در واقع کلنل مابین کلیدر و روزگار سب‌شده و سلوک قرار می‌گیرد. در ادامه محمود دولت‌آبادی با گزایه از وضعیت مجوز انتشار کتاب‌هایش گفت: «از وقایع تاریخی که در کلنل اتفاق می‌افتد ۲۰ سال و از ننگارش این کتاب

۲۶سال گذشته است. اگر فرض کنیم که این کتاب جرمی یا جنایتی کیفری نیز داشته است باید تا الان مشمول گذر زمان می‌شده و اجازه انتشار به آن می‌دادند. ادبیات هیچ وقت برای من جنبه تبلیغاتی نداشته است، چه در گذشته و چه تا امروز. اجازه بدهند حرمت‌ها بین ما نگه داشته شود. این حداقل حق ماست که به عنوان نویسنده، کتاب‌هایمان را به دست خوانندگانمان برسانیم.» محمود دولت‌آبادی که گاه با شوخی، زمینه خنده و تشویق حاضران در جلسه را فراهم می‌کرد گفت:

خاطره‌ای از اذان موفن‌زاده ندارم



شرق: حمیدرضا ترقی، نماینده مشهد و عضو حزب مؤتلفه اسلامی معتقد است: پخش شدن یا نشدن رنای محمدرضا شجریان حق مسلم مردم نیست. اگر ضابطه‌ای وجود ندارد که حتماً باید پخش شود، بنابراین دلیلی بر پخش آن نیست. من هیچ خاطره‌ای از رنای شجریان و اذان موفن‌زاده‌را دبیلی ندارم.



بیانیه صادر نکردم

ایملنا: نیکو کریمی درباره فیلمش «سوت پایان» گفت: «کار سیستم قضایی کشور نیز پیچیده‌تر از آن است که بتوان با یک فیلم در مقابلش ایستاد و احیاناً بیانیه‌ای را در تقابل با آن صادر کرد یا من بخواهم به فکر صدور بیانیه و برانگیختن جریان‌های اجتماعی باشم. فکر می‌کنم اکران شدن فیلمم از همه‌چیز برایم مهم‌تر بود.»

ژولیت بینوش در گفت‌وگو با «گاردین»:

بازیگری مثل پوست کندن پیاز است

ژولی با لباسی طلایی فروپاشی یک فرد را بازی می‌کند. او در گفت‌وگو با گاردین گفته است که بازی در نقش مادام‌اول ژولی را به دلیل شخصیت زلال و پیچیده‌ای که هنریک ایبسن نوشته است، دوست دارم. نگاه او به زنان، نگاهی دوست‌داشتنی است. شخصیت‌های ایبسن در طول نمایش بسیار تغییر می‌کنند. بینوش گفته است که برای بازی در هر نقشی آماده است: «برای رسیدن به نقش مادام‌اول ژولی کافی بود به دیدار ایبسن بروم تا بتوانم این زن عجیب را بازی کنم. هرچند که هیچ شباهتی به من ندارد.» و چندین ماه زمان گذاشته است تا در این نقش بازی کند. بینوش می‌گوید که بازی در تئاتر خیلی پیچیده و سخت است: «حرکت بازیگر بسیار متفاوت‌تر از بازی جلو دوربین است. شما روی صحنه زندگی می‌کنید و همین‌بسیار سخت و جاهایی در داور است. مثل اینکه پیاز را لایه‌لایه برداری یا اینکه بخواهید صورت خودتان را لایه‌برداری کنید؛ هر دو اشک شما را درمی‌آورد.» او بازی در فیلم‌های کارگردان مستقلی چون کیارستمی و کیشلوفسکی را به بازی در فیلم‌های هالیوودی ترجیح می‌دهد؛ به این دلیل که نگاه آنها به زن در فیلم‌هایشان واقعی است.

خبر تصویری

فیلم بی‌خدا حافظی به کارگردانی احمد امینی و حضور یگانه آهنگرانی به عنوان نقش اول کلید خورد عکس: از فیلم سه زن

رونمایی قرآن‌های خطی در کتابخانه ملی ایران برگزار می‌شود



کلیه کوچک من

زباله‌های وجود–۳۲

اردشیر خرمکوب

■ تابلوی یک تاجر تخانه، معمولاً معرف نوع فعالیت اوست. در لس آنجلس، شرکتی بود که زباله‌های شهر را می‌خرد. یعنی به شهرداری پول می‌داد و زباله‌های شهر را می‌خرد. همه همسوسلیست‌ها حمل‌ونقل و بازیافت و رعایت مقررات محیط‌زیست و حتی تأمین سطل‌های بزرگ زباله‌ها به این شرکت بود. «طلای کثیف»، اسم این شرکت، هم برای خود او انگیزه‌آور بود و هم برای مردم، که قدر زباله‌های خود را بدانند. این شرکت قبایی هم داشت که برای خرید زباله‌های شهر، هر چهارسال یکبار در یک مزایده آشکار و همگانی شرکت می‌کردند. من به دعوت این شرکت، یک فیلم مستند از نقطه شروع جمع‌آوری زباله‌ها تا تفکیک و بسته‌بندی فرآورده‌های بازیافت شده ساختم که بسیار مورد توجه مدیر این شرکت واقع شد. آنها از من یک فیلم برای آرشیف فعالیت‌های خود می‌خواستند، من اما از زاویه‌ای به عملکرد این شرکت نگاه کردم که یکی از شبکه‌های تلویزیونی آن را خرید و چندبار پخش کرد. پخش این فیلم، برای شرکت طلای کثیف فرصت‌های خوبی پدید آورد. زاویه نگاه من در این فیلم، تعقیب یک پاکت خالی شیر بود که توسط خانمی به سطل زباله انداخته می‌شد. شرکت طلای کثیف به این پاکت خالی شیر و اسبابا به زباله‌ها از منظر یک سرمایه‌خفته می‌نگرست. من اما به همان پاکت خالی شیر، هویت حیوانی دادم: گوسفندانی با سینه‌های پر از شیر، در یک مزرعه سرسبز، چشم‌په‌راه پاکت‌های خالی شیرند. در پایان، کاغذهای بازیافت‌شده، مجدداً به صورت پاکت‌های شیر درمی‌امندند و در یک کارخانه، به پراز شیر می‌شوند.

سود برای یک شرکت، یک تاجر تخانه، بزرین و سوخت جابه‌جایی و فعالیت اوست. اگر سودی در کار نباشد، شرکت‌ها و کارخانه‌ها یک به یک تعطیل می‌شوند. شرکت طلای کثیف، به شوق سود، زباله‌های شهر را جابه‌جا می‌کرد. اما شرکت‌هایی هم هستند که کالا را با کالا معامله می‌کنند و سودشان، در کار افزودهای است که بعداً روی آن کالا جابه‌جا می‌دهند. من در آن فیلم، مسیر منطقی و حسی و عاطفی آن پاکت خالی شیر را به همین سمت هدایت کردم. که یعنی همه ما مشغول معامله کالا به کالا هستیم. هرچه به صورت ظاهر اسکناس یا رقمی از کارت اعتباری خود را دست به دست می‌کنیم، چرا که پول شاید این دو معامله، در ذات خود یکی باشند، معامله کالا به کالا، اما همیشه یک قدم جلوتر از معامله کالا به پول است. البته در وضعیت متعادل اقتصادی و نه هرج و مرج، منظر من از این مقدمه طولانی، اشاره به یک تاجر تخانه که کالا در قرآن است. کالای اول زباله است و کالای دوم، کالای خوب. با این تفاوت که این معامله نه در لس آنجلس، که در اطراف خود ما انجام می‌شود. کالای اول، زباله بازیافت‌نشده‌نی است. هیچ ارزشی ندارد. بلکه تلنبار روزه به روز آن برای صاحب کالا مصیبت‌انیز هست. آیا به نظر شما، این معامله سر می‌گیرد؟ که یک نفر، یک شرکت، کالای مرغوب خود را ببندد و زباله آلوده بخرد؟ قرآن می‌گوید: بله، جماعتی از مردمان، به این کار مشغولند. به متأسفانه: آگاهانه، یعنی می‌دانند به ازای جنس مطلوب‌شان، کالای نامطلوبی نصب‌شان می‌شود، اما به شوق سودی که حتماً وجود ندارد، به این تجارت مستمر مشغولند.

حاشیه

■ خبر آتلاین: برای سومین بار است که فیلمنامه‌ای از جبرانی بعد از تولید با مدعی مواجه می‌شود. نخستین بار در سال ۱۳۸۱ بهارک ملک‌خواهی چنین ادعایی را در مورد فیلم «شام آخر» و در سال ۱۳۸۴ فیروز نژوی‌جلالی چنین مسأله‌ای را در مورد «سالاد فصل» و علی نعمی نیز جمعه هفتم مرداد مسأله شکایتی دیگر از فریدون جبرانی را در مورد فیلمنامه «قصه پریا» مطرح کرد و مدعی شد جبرانی فیلم «قصه پریا» را که بیش از یک ماه از اکران عمومی می‌گذرد براساس فیلمنامه «هستی» (دردی هست غریب‌ردن) ساخته و حقوق این نویسنده را نبرداخته است. در دو مورد قبلی پس از مذاکرات انجام شده، نام نویسندگان در تیتراژها ثبت شد. ■ شرق: فیلم ترنسفورمرز ۳ با دستمایه قرار دادن موضوع هسته‌ای ایران و نشان دادن فعالیت غیرقانونی اتمی در کوبری در خاورمیانه، قصد القای این ادعا را به مخاطب دارد که ایران به‌صورت پنهانی در حال ساخت سلاح هسته‌ای است که بیان ناشیانه این موضوع در فیلم ازسوی منتقدان غربی مورد انتقاد قرار گرفته است. ■ پارس توریزم: داوود میرباقری: مختارنامه ۲۰ هزار پلان داشته که برخی از آنها به لحاظ فنی بسیار پیچیده و اجرای آن بسیار دشوار است. باید این احتمال را قابل شوید که ممکن است برای این ۲۰ هزار پلان صد تا غلط هم وجود داشته باشد.

■ تمامی شهروندان تهرانی که از بلیت الکترونیک اتوبوس به جای پول نقد در هنگام بهره‌مندی از خدمات اتوبوسرانی شهر تهران استفاده می‌کنند می‌توانند در ایام ماه مبارک رمضان از تسهیلات ۵۰ درصد تخفیف برای تماشای فیلم‌های سینمایی در حال اکران در پردیس‌های وابسته به شهرداری تهران (ملت، تماشا، راگا و رازی) استفاده کنند.